

# عوامل و ریشه های تنبیه بدنی کودکان در محیط خانه و خانواده و راهکارهای مقابله با آن

ندا نیکنامی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین الملل

سید رضا میرمهدی

استادیار، عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور، گروه علمی روانشناسی

بنت الهدی نیکنامی

کارشناسی ارشد حقوق خصوصی

## چکیده

تنبیه بدنی یکی از روش های تربیت و تادیب کودکان است که در طول قرون متمادی توسط والدین و سرپرستان کودکان بکار رفته و هنوز هم کودکانی وجود دارند که ترس و تجربه خشونت را داشته باشند. پژوهش ها حاکی از آن است که تنبیه بدنی عامل مهمی در گسترش اقدامات و نگرش های خشونت آمیز بوده و در دوران کودکی و زندگی فرد تاثیر مخربی می گذارد و در نتیجه مانع رشد مثبت کودک و ایجاد هنجار های صحیح نظم و انضباط می گردد. مضافا اینکه ضرب و شتم کودکان به عنوان یک عامل خطرناک می تواند موجب آسیب های جسمی و روانی و حتی موجب مرگ کودکان شود و بدین گونه موجبات نقض حقوق اساسی کودک از قبیل کرامت و حیثیت ذاتی را فراهم می آورد. با وجود این تنبیه بدنی در بسیاری از کشورهای جهان یک عمل متداول و قانونی بوده و حتی گاهی برای توجیه آن از وجهه اعتبار مذهبی استفاده می گردد. لذا باید برای حل این نگرانی و معضل جهانی ابتدا عوامل و ریشه های آن را شناسایی و سپس اقداماتی را جهت حذف تمامی اشکال آن به انجام رساند. در این نوشتار سعی بر آن است که ضمن بیان عوامل و عوارض تنبیه بدنی بر کودکان، راهکارهایی جهت مقابله با تنبیه بدنی بیان گردد.

واژگان کلیدی: تنبیه، تنبیه بدنی، آموزه های دینی، اصلاحات

## مقدمه

کودکان امانت های پروردگار تعالی هستند که در اختیار والدین گذاشته شده اند، لذا بر پدران و مادران لازم است که کودک خود را با کردار ناپسند عادت نداده و در پرورش جسمی، اخلاقی، روحی و معنوی آنها تلاش جدی داشته باشند. کودک با رفتار پسندیده و تربیت صحیح

اولیا و مریبان می تواند انسانی با فضیلت شود و در غیر اینصورت فردی نامطمئن و فاسد بار می آید. با توجه به آنکه سعادت و شقاوت هر کس به کیفیت پرورش و تربیت او در کودکی بستگی دارد با محبت و حسن رفتار، می توان افرادی خیر اندیش، شریف و فعال به جامعه بشریت تحویل داد. بنابراین نحوه تادیب کودک بسیار مهم بوده و تنبیه بدنی وی می تواند صدمات جبران ناپذیری بر خرد کودک و جامعه وارد آورد. لذا ضروری است که تنبیه بدنی به عنوان یکی از روش های معمول تادیب کودکان مورد بررسی قرار گرفته و عوامل و ریشه های آن شناخته شود. بدین منظور در این نوشتار ابتدا مفهوم تنبیه بدنی را تبیین نموده، به بررسی عوامل تنبیه در خانواده پرداخته می پردازیم و از آن جا که باورهای نادرست دینی نقش مهمی در استفاده و رواج تنبیه بدنی داشته اند، تمرکز اصلی بحث بر این عامل می باشد. سپس عوارض مخرب تنبیه بدنی را مطرح و در نهایت راهکارهایی برای مقابله با این پدیده ضد اجتماعی ارائه می گردد.

#### گفتار اول: مفهوم تنبیه بدنی

برای آشنایی با مفهوم تنبیه بدنی آنچه ضروری به نظر می رسد آشنایی با مفهوم تنبیه است لذا ابتدائاً این کلمه را به لحاظ لغت و اصطلاح بررسی نموده و سپس به تبیین مفهوم تنبیه بدنی مبادرت می گردد. تنبیه<sup>۱</sup> در لغت، مصدر متعدی است از واژگان عربی به معنای بیدار کردن و هوشیار ساختن. (معین، بی تا: ۱/ ماده تنبیه) همچنین برای تنبیه در فرهنگ های لغت معانی گوناگونی از قبیل آگاه نمودن، بیدار کردن، واقف کردن، تادیب و کیفر، جزا و مجازات ذکر گردیده است. (بدرطالعی، ۱۳۷۹: ۵۷) در اصطلاح تربیت و به ویژه از دید روان شناسان تعاریف مختلفی برای تنبیه ارائه گردیده که از نظر محتوا، قرین همدیگرند. به عنوان نمونه یکی از این تعاریف بیان می دارد که تنبیه: ارائه یک محرک آزار دهنده از سوی تنبیه کننده برای کاهش و یا قطع انجام رفتاری نامطلوب می باشد. (آگاروال<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷: ۲) در واقع طبق این تعریف می توان تنبیه را به دو نوع مادی و روانی تقسیم نمود. هر چند گفته شده تنبیه مادی هم خود به دو قسم است که یکی شامل نادیده گرفتن خواسته های کودک است و دیگری تنبیه بدنی می باشد. (افشاری، ۱۳۸۵: ۴) پس از بیان مفهوم تنبیه، می توان تنبیه بدنی را مورد بررسی قرار داد. مراد از تنبیه بدنی<sup>۳</sup> یا فیزیکی هر گونه مجازاتی است که با زور فیزیکی همراه می باشد و میزانی از درد و رنج را به همراه می آورد. (نیلسون<sup>۴</sup>، ۲۰۰۳: ۲) در واقع می توان تنبیه بدنی را از منظر تربیتی

عوامل و ریشه‌های تنبیه بدنی کودکان در محیط خانه و خانواده و راهکارهای مقاله با آن ۵

اینگونه تعریف نمود که تنبیه بدنی استفاده از قدرت جسمی به قصد ایجاد درد در بدن کودک به منظور اصلاح رفتار نامطلوب وی یا مهار آن می باشد. (عباچی، ۱۳۸۵:۵) از منظر دیگر تنبیه بدنی هر اقدامی است که به عنوان مجازات نسبت به کودک اعمال می شود اما چنانچه نسبت به یک بزرگسال انجام شود یک حمله و تجاوز غیر قانونی محسوب می گردد. (شورای اروپا، ۲۰۰۷:۷)

گفتار دوم: عوامل و ریشه های تنبیه بدنی کودک در خانواده

تنبیه بدنی در تمام جوامع رخ داده است. مجموعه عواملی مانند قوانین مدرن و بومی، آداب و رسوم، باورهای فرهنگی و مذهبی و اوضاع اقتصادی و اجتماعی نقش عمده ای در استفاده و رواج تنبیه بدنی داشته اند، که مهمترین آن ها را بررسی می گردد.

بند اول: فرهنگ

خانواده ها در یک چارچوب و زمینه اجتماعی و فرهنگی قرار دارند که بر روی الگوهای رفتاری خانوادگی و ارزش ها و مهارت هایی که به فرزندان خود از طریق اجتماعی شدن منتقل می کنند تاثیر می گذارد. ایدئولوژی های کودک، خانواده و پدرسالاری از عوامل زمینه ساز در تعیین روشی است که بزرگسالان بدان طریق در جامعه روابط شان نسبت به کودکان را تنظیم می کنند و این منجر می گردد که روابط بین کودکان و بزرگسالان بر پایه ی قدرت شکل گیرد و در نتیجه امکان خشونت بر کودکان توسط والدین را ممکن می سازد. (داوس، ۲۰۰۵:۴) در واقع نهادینه بودن خشونت در خانواده ها و باز تولید این فرهنگ در نسل های بعدی موجبات رواج استفاده از تنبیه جسمانی کودک را تحت عنوان تربیت کودک فراهم آورده و از آنجا که تایید عرفی و قانونی را نیز به دنبال داشته، تبدیل به یک هنجار اجتماعی و فرهنگی مورد پذیرش همگان گردیده است.

بند دوم: وضعیت اجتماعی - اقتصادی پایین

وضعیت اجتماعی - اقتصادی عامل پیشگویی کننده و قابل توجهی برای استفاده والدین از تنبیه بدنی کودکان است. در واقع در سطوح پایین اجتماعی - اقتصادی خانواده ها تمایل بیشتری به استفاده از تنبیه بدنی نسبت به طبقه متوسط دارند. هرچند همیشه میزان درآمد به تنهایی موثر نیست، اما به هر حال می توان گفت شهرنشینی همراه با فقر و از دست دادن الگوهای فرهنگی ارتباط و نظارت، با افزایش بدرفتاری نسبت به کودکان همراه است (داوس، ۲۰۰۵: ۸) و کودکان فقیر بیشتر در معرض ناملایم ترین و خشن ترین تنبیهات فیزیکی قرار می گیرند. (کلاچتی، ۲۰۰۵: ۱۰)

### بند سوم : ضعف قوانین حمایتی

کودکان به دلیل این که توانایی مقابله با صدمات مهاجم را ندارند آماج مناسبی برای ارتکاب ضرب و جرح و آزار جسمانی هستند. به همین دلیل قوانین می توانند نقش کلیدی و مهمی را در حمایت از آنان بازی کنند. اما متأسفانه در طول قرون اکثر قوانین نتوانستند از عهده ی این وظیفه به خوبی برآیند و حتی گاهی موجبات تنبیه اطفال را هم فراهم آورده اند. برای نمونه می توان به قوانین موجود در کامن لا سنتی اشاره نمود. در کامن لا سنتی به والدین و سایر بزرگسالان حق استفاده از تنبیه بدنی تحت عنوان «مجازات معقول» یا «اصلاح قانونی» علیه کودک داده می شد. این قانون در طول قرن نوزدهم از طریق استعمار، اشغال نظامی و تدریس برخی میسیونرهای مسیحی در سراسر جهان گسترش یافت و برای قرن ها تنبیه بدنی با چهره اعتبار دینی و قانونی در مدارس مذهبی، نهادها و خانوادهها اجرا شد. (داد، ۲۰۱۱، ۳:۲۰۱۱) هنوز هم تنبیه بدنی در زندگی خانوادگی اکثر دولت های جهان یک وضعیت مشترک حقوقی دارد. (نیلسون، ۲۰۰۳: ۱) حال آنکه این قوانین یکی از بنیادین ترین حقوق بشری کودک یعنی تساوی آنها با سایرین در حمایت های قانونی را نقض می کند و کودکان را به عنوان آسیب پذیرترین اعضا در جامعه، در سطوح پایین حمایت و عدالت قرار می دهد و منجر می گردد که تجاوزات والدین به آنها پذیرش حقوقی و اجتماعی پیدا نماید. (داد، ۲۰۱۱: ۴) بنابراین در دنیای کنونی ضرورت اصلاح قوانین در جهت حمایت از کودکان به اثبات رسیده و کشورها از مقررات و اسناد متعددی در نظام بین المللی حقوق بشر برای رسیدن به این هدف استفاده نموده اند. نمونه ای از این اسناد عبارتند از: میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، کنوانسیون آفریقایی حقوق بشر، کنوانسیون منع شکنجه و رفتارهای غیر انسانی و کنوانسیون حقوق کودک که در جهت حفظ و حمایت از کرامت انسانی یا ممنوعیت رفتارهای غیر انسانی و حفظ تمامیت جسمانی کودک تدوین شده است. (چنارانی، ۱۳۹۰: ۱) اما علی رغم وجود این اسناد بین المللی و اصطلاحات ایجاد شده در قوانین بسیاری از کشورها، در ایران همچنان ما شاهد ضعف قوانین حمایتی از اطفال هستیم. هر چند قانونگذار در جهت حمایت از اطفال در مواد ۲۰۶ و ۲۷ قانون مجازات اسلامی، سیاست افتراقی مناسبی اتخاذ کرده ولی با وضع ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی راه را برای تعرض به اطفال باز گذاشته است. طبق ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی حق تادیب اطفال تنها به والدین محدود شده ولی بنا بر بند ۱ ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی علاوه بر والدین،

اولیای قانونی و سرپرستان اطفال نیز حق تادیب اطفال را دارند. هر چند این ماده دو معیار درونی قصد تادیب و معیار بیرونی در حد متعارف بودن را برای تشخیص متعارف بودن تادیب اطفال قرار داده ولی موجب سوء استفاده بسیاری از والدین و سرپرستان و بزه دیدگی اطفال به بهانه تادیب شده است. با تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان امید جامعه حقوقی در جهت مقابله با کودک آزاری به ویژه از طرف والدین که از معافیت ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی استفاده می کردند افزایش یافت. اما با اصطلاحات مکرر مجلس جهت تامین نظر شورای نگهبان، والدین از شمول جرم کودک آزاری خارج شدند. ماده ۷ این قانون مقرر می دارد: «اقدامات تربیتی در چهارچوب ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۹/۷ و ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴/۱/۱۹ از شمول این قانون مستثنا است.» این در حالی است که ما در ایران شاهد افزایش رقم کودک آزاری هستیم که اغلب هم توسط والدین با استناد به عذر تنبیه صورت می گیرد. (حیب زاده و مقدسی روئین، ۱۳۸۵: ۶۶ و ۶۵)

#### بند چهارم: باورها و تفاسیر سنتی از متون دینی

ادیان متون متفاوتی پیرامون تنبیه بدنی کودکان دارند. برای قرن ها آموزه های دینی توسط گروه های مذهبی به گونه ای تفسیر می شد که جواز استفاده والدین از تنبیه بدنی را صادر می نمود و تنبیه بدنی در محیط فرهنگی با این باورهای مذهبی در عمل تقویت می گردید. اما به مرور زمان در مقابل دیدگاه سنتی، دیدگاهی معاصر به عنوان نواندیشان دینی مطرح گردید که تفاسیر متفاوتی از متون مقدس ارائه نمودند که نه تنها استفاده از تنبیه بدنی را مذموم دانسته، بلکه همصدا با ارزش های جهان جدید، در جهت ممنوعیت تمامی اشکال آن گام های مثبتی برداشتند. مضافا آنکه دو اقدام بین المللی هم توسط این جامعه مذهبی برای پایان دادن به تنبیه بدنی علیه کودکان انجام شده که شامل تعهد مذاهب برای مقابله با خشونت علیه کودکان (بیانیه هشتمین مجمع جهانی مذاهب برای صلح در کیوتو)<sup>۸</sup> و منشور کاونتری<sup>۹</sup> می باشد. این دو صدایی از متون مقدس در عصر جدید از سوی ادیان مختلف از قبیل اسلام و مسیحیت شنیده می شود. بدین جهت به این متون و دیدگاهها از دو منظر دین مسیحیت و دین اسلام پرداخته می شود.

#### الف) از منظر دین مسیحیت

در دین مسیحیت در رابطه با استفاده از تنبیه بدنی نسبت به کودکان دو دیدگاه وجود دارد:

۱- دیدگاه سنتی: طبق این دیدگاه تنبیه بدنی کودکان جایز شمرده شده است و برای توجیه این جواز از نص متون دینی و تفسیر کهن متون دینی بهره برده اند. برای مثال برخی از گروههای مسیحی در مفهوم «گناه اصلی» بر این باور بودند که همه کودکان ذاتا بد به دنیا می آیند و از این رو وظیفه والدین برای کنترل رفتار کودک از طریق مجازات فیزیکی محقق می شود. دارندگان این دیدگاه به کتاب مقدس فراتر از یک نقد نگرینسته و انتقاد بر آن را مجاز نمی دانستند و متون موجود در آن را به عنوان دستورات الهی برای مجازات جسمی کودک در نظر می گرفتند. (داد، ۲۰۱۱: ۱)

۲- دیدگاه معاصر: به مرور زمان بر اثر تحولات عصر جدید و ایجاد نگرش های متفاوت به انسان و بویژه کودکان دیدگاه متفاوتی نسبت به متون کتاب مقدس مطرح گردید که استفاده از تنبیه بدنی را ممنوع می دانست. دارندگان این دیدگاه برای اثبات نظر خویش به سراغ متون دینی رفته و شواهدی از آن را بیان می کنند. برای نمونه آنکه در مسیحیت همه برخوردهای ثبت شده میان کودکان و مسیح، مهربان، آرام و احترام آمیز بوده اند. به گونه ای که مسیح گفته است: «هر کس یک کودک دریافت کند، یک عیسی مسیح دریافت کرده و هر کس باعث رنج کودک و لغزش او به سمت گناه شود، برای او بهتر خواهد بود که یک سنگ آسیاب سنگین بر گردنش بیندازند و او را در عمق دریا غرق کنند.»<sup>۱۰</sup> علاوه بر این استدلال نموده اند که هیچ توجیهی را برای تنبیه بدنی در کتاب مقدس نمی توان یافت و مسیحیان باید عیسی مسیح را الگوی نخستین و اصلی خود قرار دهند و قرائت از کتاب مقدس باید همیشه از لنز آموزش و زندگی مسیح انجام شود.<sup>۱۱</sup> با مطرح شدن این دیدگاه امروزه دیده می شود که اکثریت گروه های مسیحی دیگر تفسیرهای کهن از کتاب مقدس را کنار گذاشته اند و بر آن شده اند که تمامی اشکال تنبیه بدنی کودکان را ممنوع اعلام کنند.

#### ب) از منظر دین اسلام

در دین مبین اسلام چهار منبع قرآن، سنت، عقل و اجماع برای فهم احکام وجود دارد، لذا جهت یافتن جواز یا عدم جواز تنبیه بدنی کودکان، فقها و متفکران اسلامی باید به بدان ها رجوع کنند. اما در این میان، برداشت ها و نظرات متفاوتی نسبت به استخراج این حکم ایجاد شده است، که بدانها پرداخته می گردد:

#### ۱- دیدگاه سنتی

در دیدگاه سنتی برای فهم احکام الهی بیشتر به نصوص متون مقدس توجه می‌شود و تکیه بر روی مباحثی است که در متن اصلی آمده است. زیرا در این دیدگاه عقل در صورتی از منابع استنباط است که قطعی و یقینی باشد و در واقع با قیدی که به آن زده می‌شود، آنرا به یک منبع بالقوه تبدیل می‌کنند و احکام عقلی را، ظنی می‌دانند که همیشه نمی‌توان حکم شرعی را از آن یافت (کدیور، ۱۳۸۸: ۴۰) و برای آنکه اجماع را هم منبع استنباط احکام شرعی بدانند، شرطی به آن اضافه می‌کنند که باید به نظر امام معصوم برسد. بنابراین تکیه اصلی آن‌ها بر نص قرآن و روایات می‌باشد و از آنجا که برای برداشت آیات قرآن هم از روایات استفاده می‌کنند، در واقع بیشتر بر روی روایات متمرکز می‌گردند و در عمل متن روایات را به عنوان منبع عمده پیش روی خود قرار می‌دهند. در این دیدگاه در رابطه با تنبیه بدنی نیز علمای اسلامی سنت گرا بیشتر به بررسی روایات موجود پرداخته و طبق آنها نتیجه‌گیری نموده‌اند.

در زمینه تنبیه سه دسته روایت از ائمه معصومین نقل شده است:

دسته اول روایاتی است که اجازه تنبیه کودک را به حاکم شرع می‌دهد تا در برابر گناهانی که کودک انجام می‌دهد مانند سرقت، زنا و لواط او را تنبیه و تعزیر کند و این با معنای «تنبیه» اصطلاحی تفاوت دارد. (حسنی، ۱۳۷۹: ۵۲) لذا از بررسی این روایات که با بحث حاضر بیگانه است صرف نظر می‌گردد.

دسته دوم روایاتی‌اند که تنبیه کودک را در جهت تربیت و تادیب او برای والدین جایز می‌شمارند. دسته سوم روایاتی هستند که تنبیه کودک را بر ترک نماز جایز می‌شمارند. به چند نمونه از این دو دسته روایات که مبنای نظر فقها را تشکیل می‌دهند، اشاره می‌شود:

۱- حمادبن عثمان می‌گوید از امام صادق (ع) درباره ادب کودک و عیب پرسیدم. امام فرمودند: پنج تا شش ضربه و تا می‌توانی مدارا کن. (عاملی، ۱۴۱۴: ۵۸۱)

۲- از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که ادب کودک در سه ضربه است و افزون بر آن روز قیامت قصاص می‌شود. (عبدالغنی، ۱۴۱۶: ۱۱۶)

۳- حضرت رسول اکرم (ص) فرمودند: نماز را در هفت سالگی به کودک یاد دهید و در ده سالگی او را بر ترک نماز تنبیه کنید. (متقی هندی، ۱۴۰۵: ۴۴۰)

به دلیل وجود چنین روایاتی فقهای شیعه و حتی علمای عامه به اتفاق و اجماع تنبیه و تادیب

کودک را در موارد مخصوص و به عنوان آخرین راه حل و روش درمان و به عنوان یک روش ثانوی در اصلاح رفتار پذیرفته اند. در واقع فقهای اسلامی دارای دیدگاه سنتی نسبت به متون مقدس هستند و طبق نصوص روایات، اصل تنبیه بدنی کودکان را به همراه شرایط کیفی و کمی آن جایز شمرده اند. (حسنی، ۱۳۷۹: ۵۶)

## ۲- دیدگاه معاصر

در کنار دیدگاه سنتی، در قرون معاصر نظریاتی مطرح شده که در عین توجه به متون دینی با ارزش های جهانی خود را همصدا می نمایند. دیدگاه معاصر، دیدگاه نواندیشان دینی است که با توجه به شرایط جهان کنونی مطرح شده و تاثیرات بسزایی را بر روی نحوه برداشت از متون اسلامی داشته است. این ها معتقدند، ضرب و شتم کودکان و ایجاد درد و رنج در آنها با ارزش هایی که بیشتر آموزه های دینی بیان می کنند، ناسازگار است. این ارزشها که بسیار شبیه اصول حقوق بشرند، شامل احترام به کرامت انسانی، برابری، عدالت و عدم خشونت می باشد. متفکران و نواندیشان دینی معتقدند که اسلام دارای تمرکز ویژه در مورد حقوق کودکان است که باید به جامعه مدنی معرفی گردد و اگر مردم بدانند که حقوق کودکان در قوانین اسلام ذکر شده، بسیاری از مشکلات حل خواهد شد. (داد، ۲۰۱۱: ۴) در واقع اینها برای اثبات دیدگاه خویش نه تنها از نص قرآن و روایات استفاده کرده اند، بلکه دیدگاه فقهای سنتی را هم در مواردی به چالش کشیده اند. دلایل آنان بدین شرح است که از نظر اسلام همانگونه که والدین بر اولاد حقوقی دارند، اولاد نیز بر والدین حقوقی دارند که از همه قابل توجه تر، ترتیب صحیح اولاد است. در آیات قرآن از ابراز محبت به «مودت» تعبیر شده است (سوره شوری، آیه ۲۳ و سوره ی روم، آیه ۲۱) یعنی اگر چه دوست داشتن فرزند امری فطری است، اما برای عدم تحریف آن بدان سفارش موکدی شده است (وزیری، ۱۳۸۱: ۵۷۱) در سنت ائمه معصومین هم دو دسته از روایت در راستای تربیت صحیح کودک و عدم تنبیه آنها وجود دارد:

یک دسته روایاتی هستند که رحم و مدارا و شفقت به کودکان را امر می کند، مانند آنکه پیامبر (ص) در پاسخ به سوالی از سوی اصحابش فرمود: «هر کس به کودکان مهربانی نکند و بزرگترها را عزیز نشمارد از ما نیست» (مجلسی، ۱۳۷۴: ۴۳/۲۸۳) و دسته ی دیگر از روایات، روایاتی هستند که تندگی و غضب به کودک را منع می کنند. مانند: امام کاظم (ع) به مردی که از فرزند خود شکایت می کرد، آشکارا فرمود، فرزندت را مزن و برای ادب کردنش از او قهر کن



ولی مواظب باش، قهر کردنت طولانی نشود، بلکه هر چه زودتر آشتی کن. (مجلسی، ۱۳۷۴: ۹۹/۱۰۴) بنابراین در اسلام به مراقبت خوب فرزندان توسط والدین سفارش شده و نشان دادن شفقت نسبت به کودکان یکی از ستوده‌ترین اعمال شناخته شده است. در واقع دین اسلام دین رافت و رحمت و هدایت است و بدین جهت نیز پیامبر اسلام همواره بر تربیت صحیح کودکان در محیط خانواده، ایجاد کانون پر محبت در خانه و مهرورزی به کودکان توصیه می‌نمود. (شهریزی، ۱۳۸۵: ۶۲) خود نیز، در طول زندگی سرشار از سرمشق و الگوی اخلاقی اش، برای تربیت فرزندان و نوه‌های خویش به هیچ عاملی جز عامل مهر و محبت نیازی پیدا نکرد و هیچ رویداد و حادثه‌ای نشان نمی‌دهد که پیامبر مهربان اسلام در تربیت خردسالان به تنبیه بدنی دست زده باشد. (حجتی، ۱۳۸۳: ۳۶) نواندیشان دینی بیان می‌نمایند که قطع نظر از برخی روایات، تنبیه کودک جایز نیست، زیرا خدای متعال انسان را آزاد آفریده و کسی بر دیگری تسلط ندارد، مگر اینکه او اجازه دهد و معتقدند تنبیه و زدن دیگری اذیت و ظلم به اوست و این کار در شرع دیده نمی‌شود، چنانکه حتی برخی روایات آن را حرب با خدا و کیفر می‌دانند. بنابراین اصل، عدم تجویز تنبیه بدنی در دین اسلام است و اگر در مواردی هم برخی از روایات بیانگر امکان تنبیه بدنی کودکان است، باید آن را در ظرف زمان و مکانش در نظر گرفت و تفسیر نمود. چراکه در هر دوره‌ای نحوه برداشت از متون متفاوت بوده اند گاهی رکن درونی مانند قرآن و سنت بیشتر مدنظر قرار گرفته و گاهی طبق رکن برونی انجام شده است. در رکن برونی پیش فرض‌هایی به متن برای استنباط آن اضافه می‌شود. چنانچه این پیش فرض‌ها طبق عقل مدرن عوض شود، فهم از متنها هم عوض می‌گردد. هر چند نباید از این نکته غافل بود که متون صامت نیستند و نوعی هرمنوتیک خواننده محور دارند و هر نوع فهم و معرفتی را از هر متنی نمی‌توان به دست آورد. اما آنچه مهم است رابطه متن و خواننده است. در واقع پیش فرض‌های خواننده به همراه ساختار متن، فهم از متن را به همراه می‌آورد. هر چند طرفداران دیدگاه سنتی می‌خواهند نقش خواننده و پیش فرض‌ها را در نظر نگیرند و فهم دینی متن محور است. (کدیور، ۱۳۸۸: ۳۷) اما در دیدگاه مدرن، با وجود همان متن، به دلیل تغییر ذهن خواننده نسبت به گذشته و نسبتشان با عقل، تعبیر و برداشت‌های متفاوتی هم از متن صورت می‌گیرد. برای مثال در رابطه با روایت پیامبر مبنی بر اینکه می‌توان کودک را در سن ده سالگی در صورت مشاهده تخلف از انجام واجبات تنبیه کرد، استدلال شده که این روایت باید درست و در موقعیت خاص به کار گرفته شود و آن هم زمانی است که کودکی

دچار یک نوع تنبلی و بی حرکتی در همه امور باشد و آزادی خودش را در برابر تن آسایی و تنبلی از دست داده باشد، با یک ضربه می توان این تن آسایی را از روح آزادی طلب او بلند کرد و وی را به حرکت وا داشت. یعنی این تنبیه به گونه ای است که در راستای آزادی طفل انجام می گردد و نوع و شکل تنبیه و مقدمات و موخرات آن حتما طوری باید باشد که کودک به هنگام تنبیه احساس کند که مشمول لطف است و در غیر این صورت تنبیه نه تنها بیدار کننده نیست بلکه طغیان آور است (حسینی بهشتی، ۱۳۸۰: ۲۷، ۲۸) و اینها نشان دهنده آن است که حتی آموزش مذهبی کودک باید در ظرف محبت ریشه گیرد و با معرفت رشد کند تا به عبودیت برسد. (شهریزی، ۱۳۸۵: ۶۲) دین اسلام مخالف تنبیه بدنی کودک جهت آموزش فرایض دینی است، چرا که خشونت های بی جا و تحمیل های سنگین در آموزش امور دینی و به ویژه نماز را تنها موجد سطحی شدن و بی علاقهگی فرزندان می داند. (وزیری، ۱۳۸۱: ۵۸۰) بنابراین تنبیه بدنی اگر آهنگ اجبار داشته باشد، چه بر نماز و چه بر هر چیز دیگر، نمی تواند با روح تعالیم اسلام سازگار باشد (حسینی بهشتی، ۱۳۸۰: ۲۸) و اگرچه در برخی روایات، تنبیه بدنی با کیفیت و کمیت های خاص و تنها در راستای تربیت و هدایت فی الجمله جایز دانسته شده، اما در عین حال فقه اسلامی خشونت علیه کودکان را مذموم دانسته و آنرا مضر در تربیت و هدایت فرزند می داند و والدین را به مهر و محبت به کودک تشویق و ترغیب می نماید (مبلغ، ۱۳۸۸: ۱)

#### گفتار سوم: عوارض نامطلوب تنبیه بر کودکان و راهکارهای مقابله با آن

به عقیده کارشناسان امور تربیتی، تنبیه بدنی نه تنها باعث ناراحتی جسمی و روحی اطفال می شود، بلکه عوارض نامطلوبی نیز برای اجتماع خواهد داشت. لذا برای به حداقل رسانیدن این عوارض، باید به دنبال راهکارها و راهبردهایی بود که منجر به کاهش و نهایتا حذف تمامی اشکال خشونت علیه کودکان گردد. در این گفتار ضمن اشاره ای مختصر به عوارض تنبیه بدنی بر کودکان، راهکارهایی برای مقابله و منع تنبیه بدنی کودکان ارائه خواهد شد.

##### بند اول: عوارض نامطلوب تنبیه بر کودکان

القای این احساس که کودک در مقابل یک قدرت غیر قابل رقابت، ناتوان است در روحیه او عوارض منفی ایجاد می کند. (کریمی، ۱۳۷۶: ۴۲) در واقع به نسبت شدت و ضعف تنبیهات، حساسیت ها و دگرگونی های روانی متفاوتی بر کودک پدیدار می گردد که خود را به شکل

عصیان، عدم اطاعت از قانون و تمایل به تجاوز نشان می‌دهد. (تراتر، ۱۳۵۱: ۱۴) در کل اطاعت و انضباطی که از راه تنبیه حاصل می‌شود، موجب اضمحلال و نابودی حس ابتکار کودک می‌گردد. اینگونه کودکان چون به سن بلوغ و رشد رسند یا از هیچ مقامی اطاعت نمی‌کنند و راه عصیان در پیش می‌گیرند و یا آن که برای فرمانبرداری آمادگی پیدا می‌کنند. (کی‌نیا، ۱۳۷۰: ۶۴۲) علاوه بر این، در مجمع روانشناسان آمریکا نیز، عده‌ای از کارشناسان به این نتیجه رسیدند که ریشه اصلی جنایات و خشونت‌ها در جامعه همین تنبیهات بدنی است. (تراتر، ۱۳۵۱: ۱۴) در واقع کودکی که از ترس والدین و مربی خود از کار نامطلوب دست می‌کشد برای فرار از تنبیه بالاتر بدین گونه اقدام می‌کند، در صورتی که اصل واقعی تربیت اقتضا می‌کند که آدمی عمل خلاف را نه از ترس تنبیه، بلکه به صرف خلاف بودن آن، مرتکب نشود و تنها برای اینکه وجدانش از ارتکاب به گناه مبرا باشد، از انجام آن سرباز زند. (پدیور، ۱۳۷۰: ۱۶۱) از مجموع تحقیقات و مطالعات پیرامون تاثیر تنبیه بدنی بر کودکان، بر می‌آید که به دلیل عوارض مخرب تنبیه بر کودکان باید هر چه سریع‌تر تمامی اشکال تنبیه بدنی علیه کودکان مطرود و ممنوع اعلام گردد. (حسینی زاده، ۱۳۷۷: ۲۳)

#### بند دوم: راهکارهای مقابله با تنبیه بدنی کودکان

حذف تمامی اشکال تنبیه بدنی کودکان نیازمند ترکیبی از اصلاحات صریح قانون، سیاست‌های حفاظتی و پیشگیری از تنبیه، تغییر در نحوه تفسیر و برداشت از متون مقدس و در درجه اول آموزشی اقداماتی برای تغییر نگرش جوامع در پذیرش خشونت و تنبیهات تحقیر آمیز می‌باشد. بنابراین لغو تنبیه بدنی مستلزم کار فشرده در حداقل چهار حوزه می‌باشد که عبارتند از:

#### الف: اصلاحات قانونی

لغو تنبیه بدنی مستلزم راه اندازی یک چارچوب قانونی است که به وضوح تنبیه بدنی را ممنوع کرده و از کودکان در برابر تمام انواع ضرب و شتم از جمله در محیط خانواده حمایت و حفاظت نماید. تمامی دولت‌ها کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق کودک را پذیرفته‌اند و در برخی این کنوانسیون به شکل بخشی از قوانین داخلی درآمده اما باز هم برای اطمینان از لغو تنبیه کفایت نمی‌کند. اصلاح قانون نیازمند حذف هر گونه توجیهات موجود و دفاعیاتی است که می‌تواند مانع اجرای مساوی قوانین کیفری مربوط به ضرب و شتم در ضرب و شتم کودکان

شود. برای منع صریح و روشن از تنبیه بدنی و سایر رفتارهای بی رحمانه باید پیامی روشن به خانواده ها و جامعه به عنوان یک کل فرستاده شود که بیان دارد: ضرب و شتم کودکان نسبت به ضرب و شتم هر کس غیر قابل قبول تر و غیر قانونی تر است اینکه دادگاه ها و دیوان های عالی به غیر قانونی بودن تنبیه حکم کنند کافی نیست بلکه باید این ممنوعیت به وضوح در هنگام تدوین و تصویب قوانین، همانگونه که معمولا کمیته حقوق کودک شرح و توضیح می دهد سرلوحه عمل قرار گیرد. گاهی علت مقاومت در برابر ممنوعیت تنبیه بدنی در خانواده ها از این باور نشات می گیرد که این ممنوعیت منجر به محاکمه و زندانی شدن هزاران نفر از والدین می شود و به دلیل وابستگی کودکان به آنها این قطعا به کودکان کمک نمی کند. اما کمیته حقوق کودک به دولت ها در این زمینه راهکاری را ارائه می دهد مبنی بر اینکه اصل حمایت برابر از کودکان و بزرگسالان در برابر ضرب و شتم به ویژه در درون خانواده بدین معنی نیست که تمام پرونده ها و موارد تنبیه بدنی کودکان توسط والدینشان منجر به پیگرد قانونی آنها می شود. بلکه این اصل که قانون خود را با مسائل بی اهمیت مرتبط و درگیر نمی کند در اینجا تضمین می کند که همانگونه که ضرب و شتم های جزئی میان بزرگسالان در شرایط بسیار استثنائی به دادگاه ارجاع می شود در مورد ضرب و شتم های جزئی نسبت به کودکان نیز صادق است. مضافا اینکه دولت ها هم باید در این زمینه مکانیسم های موثر گزارش و ارجاع دهی را به گونه ای گسترش دهند که تمام گزارش های حاصله از خشونت علیه کودکان به صورت کامل بررسی و حمایت آنها از آسیب های جدی به طور اطمینان آور تامین گردد تا هدف متوقف کردن استفاده والدین از تمامی اشکال خشونت به درستی محقق شود. طبق نظر کمیته، دادستان و دیگر مقامات مسئول هنگامی باید اقدام به پیگرد نمایند که هر دو عامل آسیب قابل توجه به کودک و تامین منافع کودک مبتلا را در نظر گرفته باشند. (شورای اروپا، ۲۰۰۷:۲۰)

#### ب: اصلاح سیاست های دولت

دولت ها موظف به ارائه ی یک پاسخ جامع و چند بخشی به همه ی اشکال خشونت علیه کودکان می باشند. لغو تنبیه بدنی نیازمند توسعه سیاست ها و خدماتی است که از خشونت علیه کودکان جلوگیری کند و به طور موثر از کودکان قربانی حمایت نماید. در واقع در سیاست حمایت از والدین مثبت مقامات دولتی در ترویج آموزش والدین و حفظ حقوق کودکان نقش حیاتی را بازی می کنند. دولت با دادن اطلاعات و مشاوره به والدین در نحوه پرورش کودکان از طریق

متولیان آموزش و پرورش و بهبود شرایط اقتصادی جامعه می‌تواند اولیای مثبتی را در رفتار ایجاد کند که نگرش آنها نسبت به کودک اصلاح شده و به دنبال توانمند سازی و پرورش صحیح کودکان هستند و در نتیجه محیط عاری از خشونت را برای کودکان فراهم و به حقوق آنها احترام می‌گذارند. (شورای اروپا، ۲۰۰۷: ۲۳) علاوه بر اینها دولت‌ها باید به منظور برآورد شیوع واقعی خشونت علیه کودکان در خانواده‌ها، با کودکان و والدین مصاحبه نموده و حتی کمیته تحقیق پارلمانی تشکیل دهند و کودکان آسیب پذیر نسبت به خشونت خانگی را شناسایی نمایند. (جانسن و ونمان<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۷: ۴۶)

### ج: افزایش آگاهی

متأسفانه تنبیه بدنی کودکان در مقایسه با مسائلی چون خشونت جنسی و کار کودکان کمتر مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفته است. مطالعات سازمان ملل متحد بیان می‌دارد که رسانه‌ها نقش محوری را در شکل دادن به نظرات دارند و بر روی هنجارهای اجتماعی که می‌تواند بر روی رفتارها موثر باشد تاثیر می‌گذارند. بنابراین رسانه‌ها باید مسئله‌ی تنبیه بدنی را به حوزه‌ی عمومی وارد کرده و فضا را برای بحث در مورد این مشکل و یافتن راه حل‌ها آماده نمایند. بنابراین بدون بالا بردن سطوح آگاهی‌های عمومی، دستیابی به پیشگیری و ممنوعیت تنبیه بدنی و تغییر در رفتارها در مقیاس وسیع و برای همیشه دشوار خواهد بود. (شورای اروپا، ۲۰۰۷: ۲۷)

### د: ارائه تفاسیر متفاوت از متون مذهبی

آموزه‌های دینی نقش بسیار مهم و کلیدی در ایجاد نگرش‌ها و اعتقادات والدین و تصویب قوانین بازی می‌کنند. چنانچه در قرون گذشته هم متداول بوده اگر از متون مقدس به گونه تفسیر به عمل آید که جواز تنبیه بدنی را صادر نماید، نه تنها باب سوء استفاده والدین را باز می‌کند بلکه در کشورها به صورت قانونی تجلی می‌یابد و ضرب و شتم کودکان را که عامل خطرناکی جهت ورود صدمات فیزیکی و روانی است ترویج داده و مثبت تلقی می‌کند. این در حالی است که مذاهب ما سرشار از اصولی مانند: محبت، عدالت، لزوم حفظ کرامت و حیثیت ذاتی هر فرد از جمله کودک می‌باشند و در واقع این گروه‌های مذهبی بوده‌اند که با دیده اغماض ارتکاب خشونت علیه کودکان را جایز دانسته‌اند.<sup>۱۳</sup> آن‌هم بدین دلیل بوده که در مواردی متون مقدس تصریح به امکان استفاده از تنبیه بدنی نسبت به کودکان دارد. لذا آنچه می‌تواند در این زمینه

راهگشا باشد روش و نوع تفسیری است که از این متون به عمل می آید. باید دانست این نقش را در هر مذهبی چه کسی و چه گروه مذهبی ایفا می کند. در مذهب اسلام هر فقیهی ظرف زمان و مکان خود می باشد و نوع برداشت آنها از متون نقش اساسی را ایفا کرده است. اگر در گذشته بیشتر از نص قرآن و سنت استفاده می شده، امروزه در روش برونی یعنی استفاده از پیش فرض های مقدماتی برای استنباط متون مقدس با تغییر این پیش فرض ها و همگام نمودن آن با ارزش های جدید می توان تفاسیر متفاوتی را ارائه نمود و با در نظر گرفتن تاریخت و عدم تاریخت احکام به برخی تناقضات پاسخ داد. به گونه ای که احکام را با توجه به تاریخ در نظر گرفت و از هر حدیثی که تنها مربوطه به زمان خاصی بوده صرف نظر نمود و زمینه را برای پذیرش تعاریف روز آمد از مبانی اسلام فراهم آورد.

#### نتیجه

تنبیه بدنی یکی از روش های تربیت و تادیب کودکان است که مجموعه عواملی مانند نهادینه بودن خشونت در خانواده ها و باز تولید آن در نسل های بعدی، فقر و از دست دادن الگوهای فرهنگی ارتباط و نظارت و پذیرش تنبیه بدنی به عنوان یک هنجار عرفی و قانونی موجبات استفاده و رواج آن را فراهم آورده است. مضافاً آنکه تفسیر آموزه های دینی به گونه ای که جواز تنبیه بدنی کودک را صادر نماید، عامل مهم دیگری در این زمینه است. با توجه به عوارض مخرب تنبیه بر کودک و اجتماع باید هر چه سریع تر تمامی اشکال تنبیه بدنی علیه کودکان لغو و ممنوع اعلام گردد. علاوه بر منع صریح در قوانین کیفری و مدنی، ایجاد بینش غیر قانونی بودن تمامی اشکال تنبیه بدنی در خانواده ها ضروری است. دولت موظف است با پیگیری سیاست های همه جانبه در خصوص ارائه اطلاعات به خانواده ها و پرورش والدین مثبت در رفتار سبب تغییر نگرش خانواده ها نسبت به کودکان شده و در نتیجه محیط غیر خشونت آمیزی برای کودکان فراهم نماید. در این راستا نیز نقش رسانه های گروهی در افزایش سطح آگاهی های عمومی و تغییر در رفتارها را نباید نادیده گرفت و با توجه به نقش کلیدی آموزه های دینی با تفاسیری متفاوت از متون مذهبی همانگونه که نواندیشان دینی اقدام نموده اند، با ترویج باورها و اعتقادات مثبت از ارتکاب خشونت علیه کودکان تا حد ممکن جلوگیری نمود.

1. Punishment
2. Agarval
3. Corporal punishment
4. Nilsson
5. Dawes
6. Clacherty
7. Dodd
8. A Multi-Religious Commitment to Confront Violence against Children  
(Adopted at the Religions for Peace VIII World Assembly in Kyoto, Japan, on 28 August 2006)
9. Coventry Charter for Children and Non-violence
10. <http://www.rapcan.Org.za/cp-docs/corporal-punishment-fact-sheets.pdf>
11. <http://smu.edu/psychology/html/images/DoddWorking.pdf>
12. Johnsson & Veneman
13. *A Multi-Religious Commitment to Confront Violence against Children*, Article 19, December 2007, Volume 3, Number 3, p9

#### منابع

- افشاری، علی، بررسی نقش و جایگاه تنبیه و تنبیه بدنی در آموزش و پرورش، مجله پیوند، خرداد ۱۳۸۵، ش ۳۲۰.
- در طالعی، نرگس، پاداش و تنبیه در نظام تربیتی کودک و نوجوان، مجله رشد معلم، اسفند ۱۳۷۹، دوره نوزدهم، ش ۱۵۶.
- پدیور، علی، تربیت و تندرستی، نشر آسیا، ج ۴.
- ترانت، رابرت، اثرات نامطلوب تنبیه بدنی، ترجمه: معینیان، امید، مجله مکتب مام، اسفند ۱۳۵۱، ش ۴۰.
- حبیب زاده، محمد جعفر و مقدسی روئین، محمد باقر، درآمدی بر حمایت کیفری از اطفال بزده دیده در حقوق ایران با نگاهی به اسناد بین المللی، مجله نامه مفید، شهریور ۱۳۸۵، ش ۵۵.
- حجتی، محمد باقر، شرایط و کارآیی تنبیه در تربیت کودک و نوجوان، مجله حوزه و دانشگاه، پاییز ۱۳۸۳، ش ۴۰.
- حرعاملی، شیخ محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۸، قم، موسسه آل البیت، ۱۴۱۴ ه.ق.
- حسینی، جواد، بررسی تحلیلی تنبیه از منظر روایی، فقهی و روانشناسی، مجله معرفت، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۹، ش ۳۳.
- حسینی بهشتی، محمد، نقش آزادی در تربیت کودکان، بنیاد نشر آثار و اندیشه های آیت الله شهید دکتر بهشتی، ج ۲، ۱۳۸۱.
- حسینی زاده، تنبیه از دیدگاه اسلامی، مجله حوزه و دانشگاه، بهار و تابستان ۱۳۷۷، ش ۱۴ و ۱۵.
- شهرویزی، فرحناز، آموزه های پیامبر اسلام (ص)، کیهان فرهنگی، اسفند ۱۳۸۵، ش ۲۴۵.
- عباچی، مریم، کودک آزاری، خیرنامه انجمن ایرانی حقوق جزا، بهار و تابستان ۱۳۸۵، ش ۴.
- عبدالغنی، عارف، نظم التعلیم عندالمسلمین، دمشق، دارالکنعان، ۱۴۱۴ ه.ق.
- کدیور، محسن، حق الناس (اسلام و حقوق بشر)، انتشارات کویر، ج ۴، ۱۳۸۸.
- کریمی، عبدالعظیم، هزار و یک نکته نهفته در تربیت فرزندان، مجله پیوند، تیر ۱۳۷۶، ش ۲۱۳، ۲۱۵، ۲۱۴.
- کی نیا، مهدی، مبانی جرم شناسی، ج ۲، نشر دانشگاه تهران، ج ۳، ۱۳۷۰.

- متقی هندی، حسام الدین، کنزالعمال، ج ۱۶، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۵ ه.ق.
- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار الجامعه لدررالخبار الثامه الاطهار، ج ۴۳ و ۱۰۴، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی، انتشارات امیرکبیر، بی تا.
- وزیری، مجید، نگاهی به وظایف تربیتی پدر در برابر کودک از دیدگاه اسلام، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، زمستان ۱۳۸۱.
- چنارانی، محمد علی، آیا پیامبر کودکان را تنبیه می کرد؟ ۱۳۹۰/۴/۸، رویت شود در سایت:  
[www.tebyan.net/index.aspx?pid=167947](http://www.tebyan.net/index.aspx?pid=167947)
- مبلغ، محمد علی، تنبیه کودک توسط والدین از منظر حقوق اسلام، رویت شود در سایت:  
[www.sadeghinili.com/fa/maghalat/?id=1908](http://www.sadeghinili.com/fa/maghalat/?id=1908)
- Amulti\_religious commitment to confront violence Against children , Article19, December 2007, volume 3, number 3.
- Agraval, Prema: spare the rod, plan India, November2007 .
- Corporal and Humiliating punishment of children in south Africa, it is available on internet: <http://www.rapcan.Org.za/cp-docs/corporal-punishment-fact-sheets.pdf>
- Council of Europe, Abolishing corporal punishment of children, Council of Europe Publishing, December 2007.
- Clacherty G, Donald D & Clacherty A: South African Children's Experiences of Corporal Punishment Pretoria, Save the Children Sweden, may2005.
- Dawes A ,De sas kropiwnicki C, kafaar Z& Richter L , corporal punishment of children: A south african national sarvey, save the children Sweden.july 2005.
- Dodd, Chris: Ending corporal punishment of children, A handbook for working with and within religious communities, save the children Sweden,2011
- Dodd, chris: The importance of working with religious leaders to end corporal punishment of children,it is available on internet:  
<http://smu.edu/psychology/html/images/DoddWorking.pdf>
- johnsson A&Veneman A: Eliminating violence against children, unicef, 2007 .
- Nilsson, mail: Hitting people is wrong\_and children are people too, save the children Sweden,2003.